

نقش مدارس در پرورش اخلاق و ادب دانش آموزان

هادی ندیمی شاهرودی

دبیر آموزش و پرورش، شهرستان مراغه.

نام نویسنده مسئول:

هادی ندیمی شاهرودی

چکیده

اخلاق در زندگی فردی و اجتماعی انسان نیز تأثیر به سزایی دارد. سلامت و آرامش روانی هر انسانی تا حد زیادی مربوط به خلق و خوی اوست؛ که این ارزش ها می تواند توسط دستان توانمند خانواده و مدارس تقویت شود. تربیت اجتماعی و اخلاقی انسان از محیط خانواده شروع شده و در مدرسه تکامل می یابد. لذا موضوعی که باید در مدارس کشورمان مورد بررسی قرار گیرد تربیت بهداشت روانی، ایجاد همزیستی، ایجاد روحیه و فرهنگ تعامل پذیری با یکدیگر و تحمل افکار و اعتقادات دیگران است. در صورتی که دانش آموزان، معلمین و حتی اولیاء(خانواده) بتوانند این فرهنگ را در دانش آموزان و در محیط آموزشی نهادینه سازند، در آینده افرادی انتقاد پذیر و با روحیه تعامل بیشتر و ارتجاع پذیر خواهیم داشت. بنابراین در این مقاله با هدف بررسی نقش مدارس در پرورش اخلاق و ادب دانش آموزان به شیوه ی مروری پرداخته شده است. لذا با عنایت بر نتایج به دست آمده باید از عان داشت شخصیت دانش آموزان در مدارس ساخته می شود. در کل باید دانش آموز یاد داد که اگر می خواهد مورد احترام دیگران باشد باید به دیگران و نظرات آنها احترام بگذارد و اخلاق و ادب را رعایت نماید؛ لذا اولیا و مربیان باید برای تربیت صحیح دانش آموزان حس اعتماد را هم در آنها پرورش داده و سپس کلاس را صرفاً تبدیل به کلاس درس نکنند یعنی باید کلاس همانند زنگ پرورشی اداره شده و بایدها و نبایدها، هنجارها و ناهنجاری ها به دانش آموز آموخته شود.

واژگان کلیدی: احترام، اخلاق، دانش آموز، معلم، خانواده، تربیت.

مقدمه

در دهکده ی جهانی، همه مردم در تمام طول روز صحبت می کنند. اما آیا آنها همگی می دانند چگونه صحبت می کنند، چگونه به یکدیگر احترام بگذارند؟ و یا چطور باید صحبت کنند؟ آیا ربطی بین سخن گفتن و اخلاق و ادب، می بینید؟ در جهان کنونی با پیشرفت روز افزون علم و تکنولوژی و تغییر در شیوه های زندگی و یادگیری، مشکلاتی به وجود آمده است که از جمله اساسی ترین دغدغه هایی که افکار جهانی را به خود مشغول ساخته است شیوه ی ارتباط صحیح، احترام به افکار دیگران و تمرین اخلاق و ادب است. هر انسانی برای خود احترامی قائل است. زمانی که به عقاید، کارها و سلیقه های افراد در حد و محدوده خودشان احترام بگذاریم و سعی نکنیم همیشه در پی رد کردن آنها برآییم دیگران ما را به رسمیت می شناسند چرا که مردم عادت دارند با کسی که به آنان احترام بگذارند نسبت به ایشان ابراز توجه و قدردانی کنند. دانش و الفت می گیرند پس برای جلب مردم آنچه می خواهند باید به آنان بخشید. بدیهی است که این امر باید آموزش و تمرین شود تا در رفتار افراد و عملکرد آنان نمایان گردد. بیشترین سهم آموزش بعد از خانواده بر عهده ی مدرسه مخصوصاً شخص معلم است. به عقیده ی آندره موروا^۱: احترام را باید در خانه آموخت. در مدرسه تمرین کرد و در جامعه کامل نمود.

در دهکده ی جهانی، دارا بودن بهداشت روانی، ارتباط صحیح و احترام به افکار دیگران، به عنوان اهداف مهم در تربیت دانش آموزان و تربیت فرزندان در آموزش و پرورش عصر جدید شناخته شده است. یکی از اصول اساسی در سیستم برنامه ریزی مدارس، پرورش صحیح دانش آموزان از لحاظ اخلاقی و ادبی است. به نظر اتکینسون^۲ و همکاران (۱۹۹۲)، سازگاری فردی در برابر محیط در رفتار فرد بسیار مهم است و ویژگیهایی از شخصیت را بهنجار تلقی می کند که به فرد کمک می کند تا خود را با جهان پیرامون خویش سازگار سازد. یعنی با دیگران در صلح و صفا زندگی کند و به افکار و نظرات دیگران احترام گذاشته و جایگاهی برای خود بدست آورد. محیط اجتماعی مدرسه نیز در سازگاری دانش آموزان موثر است. مدرسه نظام اجتماعی کوچکی است که دانش آموزان در آن قواعد اخلاقی، عرف اجتماعی، نگرشها و شیوه های برقراری ارتباط با دیگران را می آموزند. نفوذی که مدرسه در اجتماعی کردن دانش آموزان دارد، هم به دلیل وجود همکلاسی ها و هم به دلیل وجود معلمان و برنامه های آموزشی است. معلم در ارتباط خود با دانش آموز باید موارد بسیاری را در نظر بگیرد، به عنوان نمونه معلم نباید رفتارهای خشن و تند را به کار بگیرد و یا زیادی با دانش آموز مدارا کرده و صمیمیت بی حد و مرز داشته باشد؛ زیرا در این صورت دانش آموز نه تنها از معلم حساب نمی برد بلکه ممکن است بی احترامی کرده و در رفتارهای خود از حدود خارج شود. لذا توصیه من این است که معلم با پرهیز از افراط و تفریط، موضوع اعتدال را مدنظر قرار دهد. معلم باید برای تربیت صحیح دانش آموزان حس اعتماد را هم در آنها پرورش داده و سپس کلاس را صرفاً تبدیل به کلاس درس نکند یعنی باید کلاس همانند زنگ پرورشی اداره شده و باید با نیاپیداها، هنجارها و ناهنجاریها به دانش آموز آموخته شود.

به نظر پپین^۳ (۲۰۰۱) بسیاری از ناسازگاران تحصیلی، کمترین علاقه ای به اجرای وظایف مدرسه نشان نمی دهند که این امر ناشی از کمبودهای فیزیکی یا ناتوانی های ذهنی یا اختلاف عاطفی نیست، بلکه بدین علت است که آنان در محیط مدرسه به کسی که بتواند این علاقه را در آنان ایجاد یا حفظ یا بیدار کند برخورد نکرده اند. معلم باید به نظرات تک تک دانش آموزان گوش داده و دانش آموزان زرتنگ کلاس را به آنان که درسشان ضعیف تر است ترجیح ندهد. اصل مساوات در رفتار و عملکرد معلم نسبت به همه دانش آموزان باید رعایت شود، آموزگار باید حتی در زمانی که ایراد و رفتار نامناسب دانش آموز را تصحیح می کند به شأن و شخصیتش احترام بگذارد. یکی دیگر از مهمترین مواردی که معلم باید در رفتار خود نسبت به دانش آموزان رعایت کند این است که سلاح تنبیه کارساز نیست زیرا این امر سبب تغییر رفتار نمی شود. پرورش صحیح زمانی است که کودک با اصول اخلاق دینی آشنا شود و به عینه آن ها را در رفتار و گفتار معلمان و خانواده ی خود ببیند. با تحقیقاتی که به عمل آمده، در جامعه ما تقریباً نزدیک به ۸۵٪ ارتباطات افراد از طریق حرف زدن و گوش دادن (گفت و شنود) و نزدیک به ۱۵٪ از طریق خواندن و نوشتن است. پس در این مورد واژه ها و کلمات و جملات نقش ویژه ای را در نقل و انتقال مفاهیم و احساسات محترمانه انسانها بازی می کند. واژه ها در نقل و انتقال اطلاعات و ارتباطات دو انسان از بار احساسی مهمی برخوردارند و از نظر عاطفی، کلمات تأثیر فوق العاده ای در روحیه ی افراد انسانی در احترام به افکار دیگران دارد؛ چراکه هدف ارتباطات انتقال یا تبادل ایده ها و افکار می باشد.

بیان مسئله

امروزه برای علمای تربیت روشن است که مدرسه یک وظیفه اجتماعی دارد که اهمیت آن کمتر از آموزش و پرورش فردی نیست و به نظر آنان مدرسه همچون خانواده، یک واحد اجتماعی است و در ساخت شخصیت اجتماعی فرد بسیار موثر است. زیرا، بوسیله ی آن فرد راه و رسم زندگی و طرز معاشرت با دیگران را یاد می گیرد و نیز مدرسه است که کیفیت همکاری یا رقابت یا... با دیگران را یاد می دهد.

اولین و اساسی ترین ویژگی یک معلم، دارا بودن اخلاق اسلامی و بهداشت روانی است. در دین مبین اسلام نیز به ارتباطات صحیح و اخلاق حسنه، نقطه گذاشته و از آن در ادیان مختلف به نیکی یاد کرده است. ویژگی مهمی که در دین برای معلم و مربی آمده است، اشاره به آغاز تربیت از خود معلم و مربی است. معلمی حرفه‌ای بسیار ثقیل و سنگینی است. در واقع آگاهی از مسائل تربیتی، اساس انتخاب یک فرد برای حرفه معلمی است. یافته‌های پژوهش رودباری^۱ (۱۳۹۱) نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی بر رشد اجتماعی و سازگاری عاطفی و اجتماعی آنان تأثیر مثبت داشته است. دانش آموز از طریق مشاهده و تقلید کردن، به درون معلم می‌رود و گفتار و رفتار او را الگو قرار می‌دهد. بنابراین یک معلم برای موفقیت در امر تربیت دینی دانش آموزان باید تربیت را از خود شروع کند. ابتدا خودش نسبت به دین اسلام شناخت کافی و سپس علاقه پیدا کند سپس ایمان و روحیه‌ی تسلیم را در خود قوی و اعتقاداتش را کامل کند. مسلم است که هرگاه شناخت با علاقه همراه شود، انگیزه برای دفع رذایل و به دست آوردن فضایل اخلاقی، فراهم می‌شود. لذا برخورداری روابط حسنه در محیط خانواده و مدرسه از جمله معلم با معلم، مدیر با معلم، معلم با دانش آموز و مدیر با دانش آموز... می‌تواند در ایجاد ارتباط صحیح و تمرین اخلاق نیکو و ادب در دانش آموزان کمک کند. بی تردید لازمه تصحیح رفتارهای نادرست دانش آموز تفسیر کردن خوبی‌ها و یا زشتی‌هاست، اگر معلم در هنگام اشتباه دانش آموز به جای دعوا با خوش خلقی با وی رفتار کند، آنگاه دانش آموز هم یاد می‌گیرد که در زمان اشتباه دیگران به جای مشاجره، اصل منطق و آرامش را در پیش بگیرد. از سوی دیگر در یک کلاس درس ممکن است تعدادی دانش آموز ناآرام وجود داشته باشند که بخواهند نظم کلاس را برهم بزنند، اما نباید معلم با چنین دانش آموزانی برخوردی تند داشته باشد بلکه ضرورت دارد تا آموزگار با گفت و گو، تعامل و تفسیر رفتارهای ناپسند مانع ادامه رفتارهای بد و نامناسب از سوی دانش آموزان شود. البته معلم باید رفتارهای دیگری را هم در برخورد با دانش آموز در نظر داشته باشد مثلاً اینکه نباید در کلاس متکلم الوحده باشد باید دانش آموز را هم مشارکت داده و نظرش را محترم بشمارد و یا اینکه نسبت به وی، انعطاف پذیر بوده و او را تشویق کند. اگر دانش آموز خوب هدایت شود، توانایی سازگاری با تغییرات بیشتری خواهد داشت، معمولاً به موقعیتهای بیشتری نائل خواهد آمد و از موقعیتهای اجتماعی، تحصیلی لذت بیشتری خواهد برد و سلامت روان او در وضعیت بهتری قرار خواهد گرفت. در کل باید به دانش آموز یاد داد که اگر می‌خواهد مورد احترام دیگران باشد باید به دیگران و نظرات آنها احترام بگذارد. به قول آلفونس دود: اگر می‌خواهی محترم باشی، باید همه را محترم بداری. لذا معلم باید برای تربیت صحیح دانش آموزان حس اعتماد را هم در آنها پرورش داده و سپس کلاس را صرفاً تبدیل به کلاس درس نکند یعنی باید کلاس همانند زنگ پرورشی اداره شده و باید‌ها و نبایدها، هنجارها و ناهنجاری‌ها به دانش آموز آموخته شود.

تعریف بهداشت روانی و احترام به دیگران

بهداشت روانی در مفهوم عام خود یعنی سلامت فکر و تعادل روانی و دارا بودن خصوصیات مثبت روانی و راههای دست یابی به سلامت فکر و روح که برای تعالی و تکامل فردی و اجتماعی انسانها با پرداختن به آن روشن می‌شود البته در مفهوم تخصصی خود، رشته‌ای از بهداشت است که افراد تحصیلکرده و دارای مهارت و تجربیات خاص به نحوه آموزش آن به مردم اقدام می‌کنند. بهداشت روانی دارای اصولی است که از جمله آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ✓ احترام به شخصیت خود و دیگران (داشتن نگرش مثبت به خود و دیگران)
- ✓ شناخت محدودیت‌ها در خود و دیگران.
- ✓ اینکه هر رفتاری معلول، علتی است.
- ✓ رفتار تابع تمامیت وجود هر فردی است.
- ✓ توجه به احتیاجات و نیازها که خود عامل محرک برای رفتارهای خاص هستند.
- ✓ انسان تحت تأثیر و توجه محیط است.

از آنجا که هدف ما در این بحث بررسی اثرات احترام به خود و دیگران است بی‌تفصیل آن را بیان خواهیم کرد. احترام احساسی مثبت از ارج نهادن و اعتنا به فرد یا شی‌ای است که فرد احترام‌گذارنده آن را سزاوار احترام می‌شمارد. احترام در لغت به معنای حرمت نهادن، نکوداشت، بزرگ داشتن، ارج نهادن می‌باشد. فردی که به شخص یا چیزی احترام می‌گذارد، به آن شخص یا چیز توجه می‌کند و برای آن اندازه‌ای ارزش قائل می‌شود. این ارزش‌گذاری متعاقباً ممکن است خود را در رفتار و عملکرد احترام‌گذارنده نسبت به احترام‌یافته نمایان کند. احترام‌گذارنده معمولاً امتیازها و کیفیت‌هایی را در فرد یا چیزی می‌بیند و این‌گونه دآوری می‌کند که آن فرد یا چیز، سزاوار توجه، پاسخ و ارزش‌گذاری است و باید ادعای او بر حق و حقوقی را نیز به رسمیت شناخت. با تغییر این امتیازها و کیفیات ممکن است میزان احترام نسبت به آن فرد یا شی نیز تغییر یابد. احترام قائل شدن با توجه کردن همراه است و این توجه داشتن در بسیاری موارد صرف انرژی یا مسئولیتهایی

نیز با خود می آورد و بنابر اصل کم کوشی، انسان این صرف انرژی را زمانی انجام می دهد که آن را برای بقای خود یا هماهنگی بهتر با محیط لازم ببیند. اندیشمندان نیز درباره ی احترام سخنان ارزشمندی را بیان کرده اند که از میان آنها می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

آندره موروا^۱: احترام را باید در خانه آموخت. در مدرسه تمرین کرد و در جامعه کامل نمود .

ژاک ژان روسو^۲: احترام به دیگران را باید از همان دوران کودکی به کودکان آموخت .

پرل. س. باک^۳: احترام در حقیقت همان رعایت حال دیگران در موارد و مواقع مختلف است .

آلفونس دوده^۴: اگر می خواهی محترم باشی، باید همه را محترم بداری .

مونتسکیو^۵: آنکه توقع احترام از دیگران دارد، خود نیز باید توقع احترام دیگران را برآورده کند و به آنان حرمت کند.

آدام اسمیت^۶: هر قدر به دیگران احترام بگذاری برای خودت احترام خریده ای.

فرانتس فانون^۷: احترام صفتی اکتسابی است. آن را به فرزندان خود بیاموزید.

آندره والیوس^۸: اگر همه مردم ارزش احترام را می دانستند و در زندگی به آن عمل می کردند دنیا گلستان می شد.

ماری کوری^۹: احترام، بزرگی و کوچکی، فقر و ثروت، زشتی و زیبایی نمی شناسد.

نقش مدارس در پرورش اخلاقی دانش آموزان

آموزش و پرورش کلید فتح آینده است و همان مرکبی است که بوسیله آن می توانیم به سوی آینده حرکت کنیم، پیشرفت ما در آینده تا آنجا خواهد بود که این وسیله کارایی، توانمندی و سرعت لازم را داشته باشد. وضعیت امروزمین آموزش و پرورش هر کشور، حکایت از وضعیت فردای آن کشور دارد و هرکس می خواهد بداند کشورها فردا، چه شان و موقعیتی خواهند داشت، می تواند در آیین آموزش و پرورش امروز آنها نظر کند و فردهایشان را تماشا کند.

امروزه مدرسه به عنوان خانه ی دوم دانش آموزان، به عنوان یک محیط مناسب برای رشد اجتماعی، یادگیری خلیات اخلاقی و ادب و احترام به افکار یکدیگر در میان دانش آموزان شناخته می شود. برای رسیدن به جامعه ای ایده آل، پیشرفته و پویا که در آن انسان ها صاحب حق و حرمت باشند، نیازمند تشکیلات نو، معلمان نواندیش و دانش آموزان نوپرداز هستیم. مدرسه و کارکنان این سیستم آموزشی و پرورشی می توانند هم به صورت جلی یا آشکارا و هم به صورت نهانی یا پنهان در پیشرفت اخلاق نیکوی دانش آموزان برنامه ریزی و اقدام نمایند. به طور مثال داشتن روابط نیکو در میان معلمان و مدیران بایکدیگر و همچنین احترام به نظرات و افکار دانش آموزان می تواند به صورت پنهانی در اخلاقیات دانش آموزان و تمرین احترام به افکار دیگران مؤثر واقع شود. همچنین استفاده از تحقیق و کتاب های داستانی و کلیپ های مرتبط اخلاقی نیز می تواند در تربیت اخلاقی و معنوی دانش آموزان تأثیر گذار باشد. به طور کلی می توان اذعان داشت که انسان موجودی اجتماعی است و بر همین مبنا یکی از جنبه های روانی انسان جنبه اجتماعی است که از طریق ادراکات زبان، اندیشه ها و موجدات ارتباط افراد با همدیگر فراهم می آید منظور از رشد اجتماعی رشد و توسعه روابط اجتماعی است بطوریکه فرد بتواند با جامعه اش هماهنگ و سازگار باشد. به عبارت دیگر اجتماعی شدن فرایندی است که کودکان به کمک آنها ارزشها، اعتقادات، معیارهای رفتاری را که فرهنگشان از آنها انتظار دارد می آموزند. رشد اجتماعی از خانواده آغاز می گردد و در مدرسه بعنوان یک اجتماع بزرگتر توسعه می یابد. نتایج پژوهش علی مهدی، کاظمی، فهمی و مجتبیایی (۱۳۹۲) نشان داد که بین سیستم فعالساز رفتاری با سازگاری دانش آموزان رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد و در مؤلفه سازگاری، بین سازگاری تحصیلی دانش آموزان پسر و دختر تفاوت معناداری وجود دارد.

امروزه برای علمای تربیت روشن است که مدرسه یک وظیفه اجتماعی دارد که اهمیت آن کمتر از آموزش و پرورش فردی نیست و به نظر آنان مدرسه همچون خانواده، یک واحد اجتماعی است و در ساخت شخصیت اجتماعی فرد بسیار مؤثر است. زیرا، بوسیله ی آن فرد راه و رسم زندگی و طرز معاشرت با دیگران را یاد می گیرد و نیز مدرسه است که کیفیت همکاری یا رقابت یا... با دیگران را یاد می دهد. مدرسه بهترین مرکز برای فعالیتهای گوناگون اجتماعی است و می توان علاوه بر فعالیت های آموزشی با تشکیل اجتماعات، انجمن ها، گردشهای علمی و... به تربیت اجتماعی افراد کمک کرد.

1. André Maurois
2. Jean-Jacques Rousseau
3. Pearl S. Buck
- 1 Alphonse Daudet
2. Montesquieu
3. Adam Smith
4. Frantz Fanon
5. Andreas Vesalius
6. Marie Curie

نقش ارتباط معلم با دانش آموزان در رشد فضایل اخلاقی آنان

معلم و دانش آموز به عنوان شاه کلید اصلی در فرآیند یاددهی و یادگیری هستند. لذا ارتباط معلم و دانش آموزان با یکدیگر و احترام به افکار و نظرات هم می تواند در رشد تدریجی اخلاقی متقابل مخصوصا دانش آموزان کمک بسزایی کند. دانش آموز با افزایش مهارت های ارتباطی، در نقش معلم ظاهر می شود که رفتار و حرکات معلم را تکرار می کند و حتی در قالبی تصنعی به همکلاسی هایش درس می دهد. او در ضمن ایفای این نقش تازه، به گونه ای موقتی ویژگی های یک معلم را به خود می بندد که این خود در جامعه پذیری مثبت دانش آموزان با بهره گیری از کارهای درست معلم موثر می باشد.

در سایه تشویق و تحسین، استعداد های درونی افراد به فعلیت می رسد و کمالات نهایی آنها آشکار می گردد. گویی تحسین و تمجید به افراد، نیروی تازه ای می بخشد و راه تعالی و تکامل را به روی آنان باز می کند. یکی از بزرگترین روانشناسان عصر حاضر، دکتر ماکدوگال می گوید: "تقریبا تمام اطفال، بدون استثناء، بیش از تنبیه و خشونت، به تشویق احتیاج دارند. چه بسیاری از اطفال که بر اثر فقدان مشوق و محرک، از استعداد خلاقه خود بی خبر مانده و فقط یک تذکر کوچک قادر به ظاهر کردن آن گشته است".

یک تشویق بجا و به مورد توسط معلم، انقلابی عظیم در وجود شاگرد ایجاد کرده "او را به شاهراه سعادت و خوشبختی رهبری می کند، شخصیتش احیا می شود، ادب و اخلاق نیکو را در ولی بیدار می کند، نور امید، اعماق جاننش را روشن می کند به خویشتن مطمئن می گردد. در نظر دانش آموز، معلم سخنگوی توانای جامعه است و در چنین شرایطی احترام معلم به افکار و نظرات دانش آموزان باعث می شود که آنان نیز به افکار دیگران احترام بگذارند. لذا نقش معلم در تربیت اخلاقی و معرفتی دانش آموزان را نمی توان کتمان کرد.

نقش خانواده در احترام کودکان به افکار دیگران

خانواده به عنوان اولین محیطی که دانش آموز در آن قرار می گیرد، در تربیت اخلاقی و معرفتی آنان تأثیر زیادی دارد. در واقع وجود احترام به نظرات یکدیگر در خانواده و مشورت در انجام امور و استفاده از نظرات یکدیگر می تواند تأثیر مثبتی در احترام دانش آموز به نظرات دیگران داشته باشد. به قول ژاک ژان روسو: احترام به دیگران را باید از همان دوران کودکی به کودکان آموخت. البته راه های مختلفی وجود دارد تا از طریق آن به کودکان یاد بدهیم که چطور به سایرین احترام بگذارند. پژوهش پله رونه^۱ و همکاران (۲۰۱۵) نتیجه همبستگی و رابطه بین حمایت والدین و سازگاری اجتماعی و هویت را نشان داد. نتایج نشان داد که هویت متغیر مهمی برای سازگاری اجتماعی و احساسی در نوجوانی به شمار می رود. لذا برخی از والدین عادت دارند همه چیز را به فرزندانشان امر کنند: "همانطور که من می گویم باید رفتار کنی"، "باید به مادرت احترام بگذاری." و در واقع، والدین می توانند دستورات خود را به کودکان تحمیل کنند، اما نمی توانند آنها را به احترام گذاشتن امر کنند.

ما می توانیم فرزندانمان را وادار کنیم آنطور که ما می خواهیم رفتار کنند، اما نمی توانیم مجبورشان کنیم که به ما و بقیه مردم احترام بگذارند. احترام را باید به دست آورد. احترام فقط با خوب و مهربان بودن به دست نمی آید. البته خوب بودن هیچ اشکالی ندارد، اما پدر یا مادری که با خوبی و مهربانی بیش از حد با فرزندانش رفتار می کند، مطمئناً فرزند یکدنده و سخت گیری بار خواهد آورد.

تأثیر تربیت دینی در رشد اخلاقی و ادبی دانش آموزان

«لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»^۲

{در دین اکراه راه ندارد؛ چرا که راه از بیراه به روشنی آشکار شده است}.

انسان دارای ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری است. هر یک از این ابعاد در جای خود مهم اند و با این که با هم متفاوت اند اما بر یکدیگر مؤثر و در ارتباط اند. این ابعاد قابلیت رشد و شکوفایی دارند بنابراین لازم است تا در جهت شکوفایی شان تربیت شوند و به کمال برسند. تأثیر تربیت دینی در اخلاق و روابط انسانی از جمله ارتباط با یکدیگر و تمرین ادب و اخلاق در دانش آموزان بسیار زیاد است. از نظر شهید مطهری معارف اسلام (گزاره های معتبر اسلام) عمده تا در سه مقوله کلی اعتقادات، اخلاقیات و احکام قرار می گیرند. با توجه به گستره ی اسلام، تربیت اسلامی نیز سه بخش خواهد داشت، تربیت اعتقادی، تربیت اخلاقی و تربیت احکامی (تربیت عبادی و تربیت معاملی).

مکارم اخلاق از ارزش های انسانی است که با روح مجرد و ملکوتی او تناسب و سنخیت دارد و تخلق به آنها موجب تکامل نفس و تقرب الی الله و نیل به سعادت اخروی خواهد بود. از طرف دیگر رذایل اخلاقی موجب شقاوت خواهد شد. اخلاق در زندگی فردی و اجتماعی انسان

نیز تأثیر به سزایی دارد. سلامت و آرامش روانی هر انسانی تا حد زیادی مربوط به خلق و خوی اوست. هدف تربیت اخلاقی را می‌توان در دو مورد خلاصه کرد:

۱. پرورش فضایل و از میان بردن رذایل (پرورش توانایی پایبندی عملی به ارزش‌های اخلاقی): آراستن نفس مرتبی به فضایل و پیراستن آن از رذایل، این توانایی را در مرتبی ایجاد می‌کند که در مقام عمل، به ارزش‌های اخلاقی پایبند باشد و موانع درونی و بیرونی نتواند او را از پایبندی به ارزش‌ها منحرف کند.
۲. پرورش فهم و تعقل اخلاقی: پرورش فهم و شناخت اخلاقی، از آن رو ارزشمند است که مرتبی را یاری می‌کند تا بطور مستقل رفتارهای درست را از نادرست تمیز دهد و وظیفه‌ی اخلاقی خود را در موقعیت‌های مختلف باز شناسد. نکته‌ی دیگر این است که پرورش فضایل و از میان بردن رذایل یا همان توانایی عمل به شناخت اخلاقی بدین معناست که، شخص پس از تشخیص به وظیفه‌ی خود عمل کند و تحت تأثیر بازدارنده‌های درونی و بیرونی قرار نگیرد.

احترام به خود، کلید احترام به دیگران

یکی دیگر از عوامل مهم در جلب احترام اطرافیان، احترام گذاشتن به خود است. احترام به خود یعنی درک ارزش وجودی خود و داشتن برخوردی مؤدبانه و محترمانه با خود است. داشتن رفتار محترمانه با دیگران اهمیت زیادی دارد، اما نباید از داشتن رفتاری محترمانه با خود چشم پوشی کنید. ممکن است برای کنار آمدن با ناتوانایی‌های خود، خود را تحقیر کنید اما این نوع رفتار به دیگران نشان می‌دهد که شما ارزش احترام آنها را ندارید. پس برای جلب احترام دیگران، اول باید خودتان به خودتان احترام بگذارید. از جمله راههای رشد احساس احترام به خود عبارتند از:

- ✓ شناختن ویژگی‌های مثبت خود
- ✓ تشخیص موارد و محدوده‌های بسیار موفقیت‌آمیز
- ✓ برنامه‌ریزی برای حمایت از دوستان و خویشاوندان
- ✓ تمرکز بر فضیلت‌ها و توانایی‌های خود و نه، ماندن و غرق شدن در ناتوانایی‌ها و واماندگی‌ها
- ✓ عدم اندازه‌گیری و تعریف ویژگی‌های خود با استانداردهای دیگران

فواید احترام به افکار دیگران

برای داشتن این فضیلت اخلاقی، باید نکاتی را دانسته و مهارت‌هایی را در خود پرورش دهیم که جز با ممارست و سعه صدر امکان پذیر نخواهد بود:

- ❖ اساساً تفاوت در افکار به معنای تضاد در افکار نیست؛ بدین معنا که وقتی افکار شما مغایر با افکار دیگران است، به معنای تضاد داشتن یا برخلاف هم بودن آن افکار نیست، بلکه تفاوت‌ها می‌توانند به منزله قطعات متفاوت یک پازل، تکمیل‌کننده یک تصویر کامل از موضوع باشند، اگر هوشمندانه کنار یکدیگر چیده شوند.
- ❖ احترام به افکار دیگران به معنای پذیرش، تصدیق و تایید افکار آنان یا همنوایی و همراهی با آنان نیست.
- ❖ احترام به افکار دیگران مساوی با بی‌احترامی به دیدگاه و افکار خود محسوب نمی‌شود. اگر شما به افکار دیگران احترام بگذارید، به این معنا نیست که برای افکار خود ارزش قائل نیستید. با احترام به افکار دیگران، زمینه مورد احترام قرار دادن افکار خود توسط دیگران را فراهم می‌کنید.

مهارت‌های لازم برای احترام به افکار دیگران

رعایت ادب و مراعات حقوق دیگران از جمله مواردی هستند که به راحتی می‌توانند قدرت فردی شما را افزایش دهند. همه ما دوست داریم که دیگران ما را صمیمانه دوست بدارند، با ما درست رفتار کنند و برایمان ارزش و اهمیت قائل شوند. هر چقدر خودمان بیشتر با ملاحظه و متین باشیم دیگران نیز به همان روش با ما رفتار میکنند. به عقیده ی ژان ژاک روسو^۱: احترام به دیگران را باید از همان دوران کودکی به کودکان آموخت. بدیهی است که تغییر رفتار یا عملکرد اثربخش زمانی در رفتار و اخلاق فرد نمایان می‌شود که مهارت‌های احترام به دیگران و اخلاق و ادب نیکو را از همان کودکی در ذهن و روان کودک نهادینه کرد. از جمله مهارت‌هایی که باید مورد عنایت مربیان و والدین محترم قرار گیرد، موارد ذیل است:

۱. تقویت مذاکره

بدون تردید می توان گفت بخش قابل توجهی از موفقیت در زندگی دانش آموزان بستگی به مهارت مذاکره کردنشان دارد. پس اگر به دنبال موفقیت دانش آموزان هستیم باید مهارت های مذاکره کردن را در آنها تقویت کنیم. تکنیک های مذاکره نکته مهمی است که همه مذاکره کنندگان خوب آن را کسب کرده اند.

سه روش از بهترین تکنیک های مذاکره عبارت است از I-C-E :

- **امداد^۱:** دانش آموز باید نتیجه حاصل از هر مذاکره را باید سریع ثبت و بررسی کنید. (ترجیحا ظرف مدت یک ساعت ثبت نتایج حاصل به دانش آموز این فرصت را می دهد که بدون فراموش کردن نکات بتواند در مورد آنها فکر کند و به دنبال دلایلی برای آنها باشد.
- **پاک کردن ابهام^۲:** نتیجه باید به طور واضح و روشن توضیح داده شود سپس در مورد آن بحث کنید تا از موضوع برداشت اشتباه نشود.
- **تأثیر گذاری^۳:** با استفاده از روش های مختلف، از تجربیات قبلی در هر چه بهتر شدن مذاکره استفاده کنید.

۲. مهارت تحمل در شنیدن افکار و نظرات دیگران

این مهارت به ما کمک می کند که بدون سوگیری نسبت به دیدگاه دیگران، افکارشان را بشنویم و بررسی کنیم.

۳. مهارت گوش کردن موثر

گوش دادن یکی از اساسی ترین مهارت های ارتباطات بین فردی محسوب می شود. گوش دادن با شنیدن تفاوت دارد و به صورت اتفاقی رخ نمی دهد؛ بلکه فرایند فعالی بوده که براساس تصمیم آگاهانه و درک از پیام های گوینده شکل می گیرد. فردی که به صحبت ها گوش می دهد بایستی بی طرف بماند و قضاوت از پیش نداشته باشد، به این معنی که جانبداری یا اظهار عقیده به ویژه در اوایل صحبت ها صورت نگیرد. در گوش دادن فعال مواردی مانند حوصله - مکث و سکوت های کوتاه بایستی مورد توجه قرار گیرد. شنوندگان نباید هنگام سکوت چند ثانیه ای طرف مقابل، با مطرح کردن پرسش ها و نظرات خود، تمرکز وی را مختل کنند. در گوش دادن موثر باید به طرف مقابل زمان داده شود تا بتواند افکار و احساسات خود را بیان کند. گوش دادن موثر نه تنها مستلزم توجه کامل شنونده بر گوینده است، بلکه باید علامت های کلامی و غیر کلامی نیز به وی ابراز شود. به طور کلی گویندگان از شنوندگان انتظار دارند که با گوش کردن فعال خود، پاسخ های مناسبی را به صحبت های آنها بدهند از جمله ی علائم غیر کلامی گوش دادن عبارتند از:

- لبخند
- تماس چشمی
- ژست
- انعکاس
- عدم حواس پرتی

۴. مهارت انتقادپذیری و انتقاد کردن صحیح

به گونه ای که دو طرف بدون ترس و ملاحظه گری بتوانند انتقاد کرده و یا انتقاد دیگران را بشنوند و بدون تلاش برای دفاع زود هنگام از افکار خود به دنبال آموزه های درست در سخن منتقدان خود باشند تا در صورت امکان به اصلاح افکار خود بپردازند.

۵. مهارت یادگیری

در هنگام سکوت و شنیدن افکار دیگران، موارد زیادی وجود دارد که شما به آنها توجه نداشته اید و اگر بتوانید با احترام به افکار دیگران برخورد کنید، در خواهید یافت که می توانید از این طریق، دانسته و آگاهی های خود را افزایش دهید

۶. مهارت مثبت‌نگری

در این قرن بیش از پیش احساس می‌شود، کسانی که تفکر مثبتی دارند، از سلامت روانی بیشتری برخوردارند. تحقیقات نشان داده‌اند، افکار مثبت سبب بهزیستی روانی و جسمانی و افزایش طول عمر افراد می‌شود. آموزش مهارت‌های مثبت‌اندیشی برای کودکان و نوجوانان، به منظور تقویت و بهبود ارتباط مثبت با خود، ارتباط مثبت با دیگران و زندگی و نیز افزایش عزت نفس و موفقیت تحصیلی آنان بسیار مفید و سودمند به نظر می‌رسد. به طور کلی تمامی فضیلت‌های اخلاقی برای نهادینه شدن در رفتار ما نیاز به تفکر مثبت دارند. جباری و همکاران (۱۳۹۲) اشاره نمودند که مداخلات مثبت‌نگر میزان شادکامی را افزایش می‌دهند و نگرشهای ناکارآمد را تقلیل می‌دهند. با داشتن نگرش مثبت به همه چیز دانش آموز می‌تواند حتی در سرسخت‌ترین شرایط و در مواجهه با افراطی‌ترین تفکرات که با افکار وی در تضاد هستند، آرامش و تمرکز خود را حفظ کرده و از جبهه‌گیری و بروز رفتارهای متعصبانه و افراطی در خود اجتناب ورزد. از سوی دیگر تفکر مثبت حالتی آرامش‌دهنده در او ایجاد می‌کند که باعث می‌شود طرف مقابل هم به تدریج مواضع خود را متعادل‌تر کند. و در این صورت به افکار و نظرات یکدیگر احترام بگذارند.

۷. آزادی فکر و اندیشه و انتخاب راه

یکی از پیش‌فرض‌های گفت و گو، قبول آزادی فکر و اندیشه است. هیچ یک از طرفین گفت و گو نمی‌تواند عقاید و افکار خویش را به دیگری تحمیل کند. در قسمتی از آیات قرآن کریم، این اصل تعقیب شده است که اساساً طبیعت اعتقادات قلبی و مسائل وجدانی به گونه‌ای است که اکراه و اجبار بر نمی‌دارد.

نتیجه گیری و پیشنهادات

به نظر اینجانب تربیت اجتماعی و اخلاقی انسان از محیط خانواده شروع شده و در مدرسه تکامل می یابد. دانش آموزان باید برای داشتن روابط حسنه با دیگران و جامعه پذیر بودن در محیط اجتماعی، باید اصول اخلاقی را یاد گرفته و تمرین نمایند. رعایت ادب و مراعات حقوق دیگران از جمله مواردی هستند که به راحتی می توانند قدرت فردی دانش آموزان را افزایش دهند؛ چراکه همه ما دوست داریم که دیگران ما را صمیمانه دوست بدارند، با ما درست رفتار کنند و برایمان ارزش و اهمیت قائل شوند. هر چقدر خودمان بیشتر با ملاحظه و متین باشیم دیگران نیز به همان روش با ما رفتار می کنند بنظر حقیر معیار احترام، انسان بودن افراد است. اگر قبول کنیم که هر که انسان است گل سر سبز خلقت است و خداوند او را خلیفه خود در زمین قرار داده است می توانیم ارزشمندی دیگران پی ببریم. از جمله اصولی که می تواند در ایجاد روابط حسنه و احترام به افکار و نظرات دیگران توسط دانش آموزان مؤثر باشد، تمرین و رعایت موارد ذیل است:

داشتن و حفظ روحیه مهربانانه و احترام آمیز: حفظ و تمرین روحیه ی محبت آمیز خود مخصوصا در زمانی که عصبانی هستیم یا انتقادی که از ما می شود خود می تواند باعث احترام به افکار دیگران شود. اگر به دیگران احترام نگذارید مردم شما را به چشم یک انسان بی محبت نگاه می کنند که قادر به درک ارزش وجودی دیگران نیست. اگر انتظار دارید که دیگران با شما با احترام رفتار کنند اولین قدم این است که با دیگران با احترام رفتار کنید. افراد **خوب**؛ با مهربانی، سخاوت و تعاون اجتماعی بیشتری با دیگران برخورد می کنند.

صبر و شکیبایی: تمرین صبوری و شکیبایی در هنگام شنیدن افکار و نظرات دیگران باعث می شود که شما به دلیل خستگی روانی به نظرات دیگران بی احترامی نکنید.

داشتن دید مثبت به نظرات دیگران: سعی کنیم به نظرات دیگران دید مثبت داشته باشیم تا بتوانیم افکار دیگران را تا پایان شنیده و تحمل نماییم.

همدلی و همدردی: یکی از مواردی که می تواند در احترام به افکار دیگران مؤثر باشد تمرین همدلی و همدردی است. مراد از همدردی و همدلی با دیگران تلاش برای حس کردن تجارب فرد مقابل است. در این حالت باید سعی کرد دنیا را از چشم فرد مقابل دید و از گوش او شنید و خود را جای او احساس کرد و برای فهم دقیق افکار و احساسات او که در لحظه لحظه ارتباط در فرد مقابل ظاهر می شود حساسیت نشان داد و احساسات خود را نسبت به او بیان کرد. البته باید دقت داشت که بیان احساسات همیشه از طریق گفتار و کلام نیست. حالات و چهره بدن، لحن صدا و امثال اینها خیلی وقتها نشان دهنده عواطف و احساسات هستند. افرادی که بتوانند این حالات را شناسایی کنند و به آنها پاسخ دهند افرادی هستند که می توانند با طرف مقابل خود همدلی و همنوایی داشته و بالطبع با همدلی و پاسخ مناسب دادن به احساسات اطرافیان می توان مورد توجه افراد قرار گرفت و در دید آنها فردی محبوب و مورد قبول جلوه نمود.

تواضع و فروتنی: فروتنی نه علم است که خوانده شود و نه نظریه که حفظ گردد و نه سخنرانی که ایراد شود بلکه هنری است که احتیاج به تمرین دارد. در هنگام مشورت و ارتباط کلامی با دیگران باید توجه داشت که نظرات دیگران هم گاهی اوقات می تواند سازنده باشد و نباید غرور بی جا مانع از احترام و شنیدن افکار دیگران باشد. فروتنی و تواضع یعنی همان کارهایی را انجام دهیم که مردم انجام می دهند و ما هم مانند آنها باشیم باشیم افتاده باشیم و متکبر و مغرور نباشیم. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) در این زمینه می فرمایند: «خداوند در برابر گذشت بنده بر عزت او می افزاید».

نتیجه گیری کلی

تربیت اجتماعی و اخلاقی انسان از محیط خانواده شروع شده و در مدرسه تکامل می یابد. به عقیده ی آندره موروا: احترام را باید در خانه آموخت. در مدرسه تمرین کرد و در جامعه کامل نمود؛ با توجه به وضعیت دنیای کنونی در کشور ما می بایست دانش آموزانی تربیت شود که در دنیای آینده بتوانند ارتباط کامل و دقیقی با دنیای پیرامون برقرار سازند. چرا که آنان دولتمردان آینده کشور هستند و آینده کشور به دست آن هاست. در صورتی که بتوانند از روحیه تعامل و احترام به یکدیگر برخوردار شوند از آینده مطمئنی در کشور برخوردار خواهیم بود. لذا بر همین اساس، همه ی انسانها دارای ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری می باشند. برای تربیت صحیح لازم است به این ابعاد توجه شود تا امر تربیت اخلاقی و روابط اجتماعی دانش آموزان آسان تر و نتیجه، قطعی تر باشد. معلم اولین الگوی اقتدار اجتماعی می باشد که دانش آموز با آن مواجه می شود چگونگی اعمال این اقتدار جدید توسط دانش آموز با مقایسه با پدر شناخته می شود، علاوه بر موقعیت اقتدار در کلاس، معلم همچنین، از احترام عمومی در جامعه اش برخوردار است. مخصوصا در مناطق روستایی، مردم به معلم به عنوان منبع تمدن و فرهنگ می نگرند حتی در بعضی مناطق، معلم از شخصیت نمایندگی حکومت بهره می برد. او عموما به عنوان مدل رفتاری و ارزشی اجتماع مورد احترام است. مطمئنا دانش آموزان باید برای داشتن روابط حسنه با دیگران و جامعه پذیر بودن در محیط اجتماعی، باید اصول اخلاقی را یاد گرفته و تمرین نمایند. کتب درسی نیز مانند یک معلم هستند. ارائه ی الگوها، استفاده از مطالب متنوع و نظرات شخصیت ها و مباحثی که دانش آموزان بیشتر

به آن علاقه دارند، به شرطی که در جهت تربیت دینی و اخلاقی باشد، غنی و مفید خواهد بود. در کتب درسی تربیت اعتقادی، اخلاقی و عبادی باید با توجه به ابعاد وجودی دانش آموزان صورت بگیرد تا منجر به جامعه پذیری دانش آموزان شود و از این طریق احترام به افکار دیگران و تربیت اخلاقی در آنان صورت پذیرد. رعایت ادب و مراعات حقوق دیگران از جمله مواردی هستند که به راحتی می توانند قدرت فردی دانش آموزان را افزایش دهند؛ چراکه همه ما دوست داریم که دیگران ما را صمیمانه دوست بدارند، با ما درست رفتار کنند و برایمان ارزش و اهمیت قائل شوند. هر چقدر خودمان بیشتر با ملاحظه و متین باشیم دیگران نیز به همان روش با ما رفتار می کنند.

- [۱] اسحاقی، سید حسین؛ «آزادی معنوی در اسلام»، مجله رواق اندیشه، شماره ۲۷، اسفند ۱۳۸۲.
- [۲] امینی، ابراهیم «اسلام و تعلیم و تربیت» صص ۲۹۲-۲۹۳.
- [۳] آمدی عبدالواحد بن محمد تمیمی، «غررالحکم و دررالکلم»، ترجمه آقا جمال خوانساری، تحقیق و تنظیم، سید جلال الدین محدث ارموی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۶۱.
- [۴] جباری، مهسا؛ شهیدی، شهریار و موتابی، فرشته (۱۳۹۲). اثربخشی مداخله مثبت‌نگر گروهی در کاهش نگرش‌های ناکارآمد و افزایش میزان شادکامی دختران نوجوان. مجله روان‌شناسی بالینی، ۶(۲)، ۲۸۷-۲۹۶.
- [۵] حسن، عمید، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیر کبیر، سال ۱۳۸۷، ص ۱۶۴۴.
- [۶] خدایاری فرد، محمد (۱۳۸۲). مسائل نوجوانان و جوانان. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- [۷] داودی، محمد «سیره تربیتی پیامبر (ص) اهل بیت، جلد دوم: تربیت دینی» ص ۲۷.
- [۸] داودی، محمد «سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع): جلد سوم: تربیت اخلاقی، ص ۶۸.
- [۹] همان، ص ۷۴.
- [۱۰] رشیدپور، مجید (۱۳۷۰) تربیت کودک از دیدگاه اسلام، تهران، نشر کعبه، چاپ سوم.
- [۱۱] رودباری، زهرا (۱۳۹۱). بررسی اثر آموزش مهارت‌های زندگی بر رشد اجتماعی، سازگاری عاطفی و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد ساری.
- [۱۲] زاهد، عادل؛ رجبی، سعید و امیدی، مسعود (۱۳۹۰). مقایسه سازگاری اجتماعی، هیجانی، تحصیلی و یادگیری خود تنظیمی در دانش‌آموزان با و بدون ناتوانی یادگیری. مجله ناتوانی یادگیری، ۱(۲)، ۶۲-۴۳.
- [۱۳] سیف، علی اکبر (۱۳۹۲)، روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش، تهران، نشر دوران، چاپ دوم.
- [۱۴] شبر، سیدعبدالله- مترجم محمدرضا جباران- اخلاقی- انتشارات هجرت چاپ سوم- تابستان ۱۳۷۸.
- [۱۵] محمد تقی فلسفی، "کودک‌ها: نظریات و تربیت"، تهران، هیات نشر معارف اسلامی، ۱۳۶۳، ص ۳۳۴.
- [۱۶] نساجی زواره، اسماعیل «آسیب شناسی تربیت دینی دانش‌آموزان» صص ۵۰۴-۵۰۵.
- [۱۷] علی مهدی، منصور، کاظمی، آمنه سادات؛ فهیمی، صمد و مینا، مجتبیایی (۱۳۹۲). پیش‌بینی سازگاری عاطفی، اجتماعی، تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس مدل زیستی شخصیت‌گری. مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی، ۲۳(۴)، ۲۴۴-۲۴۰.
- [۱۸] گیتونی، ام (۱۳۸۲). ناسازگاری کودکان و نوجوانان. ترجمه زهرا بازرگان. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- [19] Attkinson, R., Hilgard, E. (1992). Psychology context . (translators: Barahany, M.T. and Partners). Tehran: Roshd.
- [20] Gaitoani, M. (2003). Children and adolescent maladjustment .(Translator Bazargan, Z). Tehran: Anjoman olya va morabyan.
- [21] Gill, S (2014). Emotional, Social and Educational Adjustment of Visually Handicapped Students of Special Schools. International Journal of Scientific and Research Publication, 4(3), 34-54.
- [22] Kilinike, E. (2005). Life skills. (Translator: Mohammad khani, Sh). Tehran: Espand honar.
- [23] Major, B., Cooper, C., Cozzarelli, C. & Zubek, J. (1998). Personal Resilience, Cognitive Appraisals and Coping: An Integrative Model of Adjustment to Abortion. Journal of Personality and Social Psychology, 74, 735-752.
- [24] Roodbari, Z. (2012). Review effect of teaching life skills on social development, emotional adjustment and social adjustment of students. Master Thesis. Sari's Azad University. (Persian)